

## تذکراتی درباره ترجمه دو مقاله در گلچینی از دیرینه‌ها

حضرت آقای سبمیعی

ترجمه نامه دومنار [نامه فرهنگستان، شماره ۳۲، ص ۱۰۷-۱۱۰] مفید بود مخصوصاً برای اسامی نسخه‌هایی که ذکر کرده است (برای من). تصور می‌کنم معجم الحکمه (رقم ۹) اگر هم در نوشته و خط او چنین بوده باشد درست نیست به قرینه آنکه آن را دانشنامه معارف شرقی دانسته است. این کلمه تصحیف یا تحریف مجمل الحکمه است که ترجمه‌گونه‌ای است از مجموعه رسائل اخوان الصفا.

نسخه رقم (۱۲) که به نوائی (امیر علیشیر) منسوب داشته است شاید مراد کتاب کوچک او به نام محاکمة البغین باشد ورنه اگر نسخه‌ای از فرهنگ ترکی-فارسی تألیف او را دیده بوده است تازگی دارد.

کلمه پروار به نظرم مناسبی برای پرارزش بودن کتابخانه ندارد. اینکه عجائب المخلوقات را تألیف «همو» یعنی حمدالله مستوفی مؤلف تاریخ گزیده نوشته است شاید ناشی از آن بوده است که مؤلف هر دو کتاب قزوینی بوده‌اند!

زینة المؤمنین از شمار چاپهای سنگی هم نادرست است و زینة المجالس منظورش بوده است که در سال ۱۲۶۲ در تهران چاپ سنگی شده بود (مشار دیده شود).

سردستی محض تجدید احترام و تشکر از ارسال مجله قلمی شد.

ایرج افشار

### سردبیر ارجمند نامه فرهنگستان

رساله بسیار سودمند «تحقیق در زبان و ادبیات فارسی» (نامه فرهنگستان، دوره نهم، شماره اول، شماره پیاپی ۳۳، ص ۱۲۲-۱۵۷) ترجمه ارزشمند حضرت عالی از اثر هامر پورگشتال یکی از تحقیقات اولیه خاورشناسان را نخستین بار به زبان فارسی در اختیار دوستداران این زبان قرار داد. تحقیق مذکور، اگرچه به اقتضای نقصان معلومات راجع به زبان و ادب فارسی در عصر مؤلف، دارای خطاهای تاریخی و حاوی اطلاعاتی است که بعضاً امروز منسوخ به شمار می آید - و جتاب عالی بیشتر آن موارد را تذکر داده آید - اما درباره زبان فارسی، اقسام آن، و مخصوصاً فرهنگ‌های فارسی، فواید انکارناپذیری هم دارد، که به لحاظ اطلاع از پیشینه پژوهش‌های خاورشناسان در این موضوع بسی مهم است.

از مطالعه مقاله مذکور بسیار بهره بردم و، در ضمن آن، نکته‌ای چند به نظر رسید که یادداشت کرده‌ام تا، اگر بپذیرید، در ویرایش بعدی اثر ملحوظ گردد.

- در صفحه ۱۲۵، پانویست شماره ۱۷ آمده است: «واژه سیورغامشی... به نقل از فرهنگ [نام

فرهنگ از قلم افتاده است - مترجم]».

فرهنگ نویسان، هر جا مطلق «فرهنگ» آورده‌اند، معمولاً فرهنگ جهانگیری را اراده کرده‌اند؛ اما از آنجا که واژه «سیورغامشی» در فرهنگ جهانگیری نیامده، و صاحب فرهنگ آندراج آن را از فرهنگ و صاف نقل کرده است، احتمال دارد که آن نام از قلم افتاده همین و صاف باشد.

- در صفحه ۱۳۰، سطر ۱۹ آمده است: «(amaden (آمادن [کذا]) (در آلمانی aufmachen)».

«آمادن» مصدری دو وجهی است که هم به صورت لازم (به معنای «مهیا شدن») و هم به صورت متعدی (به معنای «مهیا کردن») به کار رفته است. متعادل آلمانی کلمه (آراستن، سروصورت دادن) نزدیک به این معنی است؛ پس ظاهراً محل تردید نباید باشد.

- در صفحه ۱۳۸، سطر ۲-۳ آمده است: «این دستور اثر همان مؤلف فرهنگ پزشکی محفوظ

در کتابخانه سلطنتی وین به شماره ۸۳ است و او شاعر مشهور علی بن احمد اسدی است».

فرهنگ پزشکی مذکور همان الابنیه عن حقایق الادویه تألیف ابومنصور موفّق هروی است که اسدی کاتب نسخه خطی آن بوده است نه مؤلف آن. این توضیح در متن ترجمه (ص ۱۴۲، ذیل ش ۵۵) آمده است، که بهتر بود اینجا نیز بدان اشاره‌ای می شد.

– در صفحه ۱۳۸، سطر ۱۵، ذیل ش ۶ آمده است: «اشرف‌نامه اثر ابراهیم قوام‌فروغی». نام فرهنگ مورد نظر شرف‌نامه (مشهور به شرف‌نامه منیری) و مؤلف آن ابراهیم قوام‌الدین فاروقی است.

– در صفحه ۱۳۸، سطر ۱۷، ذیل ش ۸ آمده است: «مؤید الفضلا از محمد لای». مؤلف فرهنگ مؤید الفضلاء شیخ محمد لاد دهلوی است؛ بنابراین لای (در متن اصلی: Lawi) باید محرف دهلوی باشد.

– در صفحه ۱۴۰، سطر ۲-۳، ذیل ش ۲۹ آمده است: «کنز اللغات که محمد عبداللطیف آن را... در قرن نهم هجری تألیف کرد».

مؤلف کنز اللغات محمد بن عبدالخالق بن معروف نام دارد و تاکنون «عید اللطیف» را جزو نام وی ندیده‌ام.

– در صفحه ۱۴۰، سطر ۴، ذیل ش ۳۰ آمده است: «نعمت سروری یا مجمع الفرس». که نعمت خطای حروف‌نگاری به جای لغت است.

– در صفحه ۱۴۰، سطر ۵-۶، ذیل ش ۳۰ آمده است: «شرح کتاب التامی فی الاسامی ثعالبی». بنا به تصریح سروری در مقدمه مجمع الفرس (که مأخذ نقل این مطلب معرفی شده)، مؤلف کتاب التامی فی الاسامی ابوالفضل احمد میدانمی است و منظور از شرح آن – چنان‌که آقای دکتر دبیرسیاقتی (مصحح مجمع الفرس) تذکر داده‌اند – باید همان الإبانه باشد. در میان آثار هر دو ثعالبی نام چنین کتابی مذکور نیست.

– در صفحه ۱۴۲، سطر ۶، ذیل ش ۴۹ آمده است: «تحفة وهبی، چاپ اصلاح‌شده لغت شهیدی». لغت شهیدی – چنان‌که در ذیل ش ۴۷ اصلاح شده – اینجا نیز باید محرف لغت شاهی (= تحفة شاهی)، و تحفة وهبی باید تهذیب آن باشد.

– در صفحه ۱۴۳، سطر ۴، و سطر ۵، ذیل ش ۶۵، در ضمن اسامی فرهنگ‌ها، سوره (در متن اصلی: soorah) – که چنین نامی در ضمن فرهنگ‌های فارسی یاد نشده است – شاید محرف صُراح باشد که همان الصُراح من الصَّحاح (یا صراح اللغه) فرهنگ مشهور جمال‌الدین ابوالفضل محمد قرشی است و در کلکته، به سال ۱۸۱۲ م (= ۱۲۲۷ ق)، در دو جلد به چاپ رسیده است. (= مقدمه عراضة العروضین، ضمیمه شماره ۱۳ نامۀ فرهنگستان، ص بیست و یک) با احترام، محسن ذاکرالحسینی

□